

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره بیست و ششم و بیست و هفتم

پاییز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۰۸ - ۷۷

گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران

دکتر محمود کتابی* - دکتر فریدون وحیدا** - وحید قاسمی***

چکیده

نظام سیاسی مشتمل بر دو بعد «ساخت سیاسی» و «فرهنگ سیاسی» است. فرهنگ سیاسی را می‌توان پدیده‌ای چهار بُعدی شامل باورها، ارزشها، دانش و احساسات سیاسی دانست. با توجه به ترکیبهای مختلف از چهار بعد ذکر شده می‌توان گونه‌های مختلفی از فرهنگ سیاسی را تعریف کرد. فرهنگ سیاسی چهار چوبی است که رفتار سیاسی در آن شکل می‌گیرد.

صاحب‌نظران و محققان تاکنون گونه‌های متنوعی از فرهنگ سیاسی ارائه نموده‌اند. به عنوان مثال می‌توان به گونه‌های فرهنگ سیاسی تعریف شده توسط گابریل آلموند (محدود، تبعی، مشارکتی)، والتر روزنباوم (مدنی، غیردینی)، ایدنولوزیک، همگن، چندپاره)، دانیل الازار (فردگرا، اخلاق‌گرا، سستی)، محمود سریع‌القلم (عشیره‌ای)، و سمیع فارسون و مهرداد مشایخی (اسلام‌گرا، آزادخواه و جامعه‌گرا) اشاره کرد.

*- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.

** - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.

*** - عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی.

تحقیق حاضر در وهله اول با مطالعه برخی متغیرهای کلیدی در تعیین گونه‌های فرهنگ سیاسی، به گونه‌شناسی این فرهنگ در جامعه دانشجویان ایران می‌پردازد و در مرحله دوم عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این گونه‌های فرهنگی را مشخص می‌کند. این مقاله نتیجه تحقیقی است که زیر عنوان گونه‌شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران به انجام رسیده است.

تحقیق یاد شده، با هدف پاسخ به دو سؤال چستی (گونه‌شناسی) و چرایی (تبیین) فرهنگ سیاسی دانشجویان ایران صورت گرفته است. در اینجا صرفاً به سؤال نخست پاسخ گفته و نشان داده می‌شود که می‌توان دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران را از نظر فرهنگ سیاسی در سه گونه مشارکت‌جویان پس‌رونده، میانه‌روها و مشارکت‌کنندگان پیش‌رونده طبقه‌بندی کرد.

واژه‌های کلیدی

گونه سیاسی، گونه‌شناسی، فرهنگ سیاسی، باور سیاسی، ارزش سیاسی، دانش سیاسی، احساس سیاسی.

مقدمه

فرهنگ سیاسی همچون چهارچوبی است که رفتار سیاسی در آن شکل می‌گیرد. خرده‌فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران یکی از مهمترین خرده‌فرهنگ‌هایی است که رفتار سیاسی ناشی از آن می‌تواند بر روند تحولات خرده‌نظام سیاسی در ایران تأثیر قابل توجه داشته باشد. علت این تأثیرگذاری را بویژه از یک طرف باید در رشد کمی و توسعه کیفی جامعه دانشجویی ایران و از طرف دیگر در آرمان‌خواهی یا آرمان‌گرایی خرده‌فرهنگ دانشجویی جست‌وجو کرد. در مطالعه نظری و تجربی خرده‌فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران سعی شده است به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

فرهنگ چیست؟ فضای مفهوم فرهنگ سیاسی کدام است؟ چه ارتباطی میان فرهنگ و فرهنگ سیاسی وجود دارد؟ عناصر تعریف فرهنگ سیاسی کدام‌اند و هر یک به چه معنایی هستند؟ تاکنون چه کسانی به ارائه گونه‌شناسی از فرهنگ سیاسی دست زده‌اند و مشخصه‌های هر گونه چیست؟ جامعه دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران بر

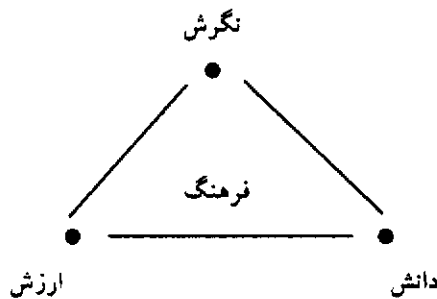
اساس عناصر تعریف فرهنگ سیاسی چه ویژگی‌هایی دارد؟ این جامعه را در کدام گونه‌های فرهنگی از لحاظ سیاسی می‌توان قرار داد و ویژگی‌های هر کدام از گونه‌ها چیست؟

فرهنگ و فرهنگ سیاسی

برای کلمه فرهنگ در زبان فارسی معانی متعددی ارائه شده است. به‌عنوان نمونه در فرهنگ معین معانی مختلفی نظیر ادب، نفس دانش، معرفت، تربیت، مجموعه آداب و رسوم، کاریز آب و ... برای فرهنگ آورده شده است (۲۱ / ص ۲۵۳۸). معادل‌های انگلیسی و فرانسوی فرهنگ Cultiver, Culture از نظر ریشه لغوی به معنی کشت و زرع بوده و امروز نیز مشتقاتی از این کلمه به همین معنا به کار می‌رود. «در فرانسه این کلمه از پرورش گیاهان به پرورش حیوانات و بالاخره پرورش انسان تعمیم یافته است» (۱۲ / ص ۱۲). این واژه را در علوم انسانی اولین بار ادوارد بی. تایلور، انسان‌شناس انگلیسی، در اثرش به نام «فرهنگ ابتدایی» به کار برد. برای تایلور فرهنگ «همان کل پیچیده‌ای است که شامل معلومات، باورها، هنرها، اخلاقیات، قانون، عرف و تمامی دیگر انواع قابلیت‌ها و عاداتی است که انسان به‌عنوان عضو جامعه کسب می‌کند» (۹ / ص ۳۳۶).

پس از تایلور تعاریف متعددی برای فرهنگ ارائه شده است. شاید بتوان گفت فرهنگ از جمله واژه‌هایی است که در علوم انسانی بیشترین تعریف را دارد. واژه فرهنگ همچنین به صورت ترکیبی، کاربردهای متعددی یافته است. به‌عنوان مثال می‌توان به ترکیب‌هایی نظیر فرهنگ کار، فرهنگ ترافیک، فرهنگ فقر، فرهنگ عوام، فرهنگ نخبگان و فرهنگ سیاسی اشاره کرد. در مقاله حاضر تعریف ارائه شده از فرهنگ سیاسی با تعریف رونالد اینگلهارت (۱۹۹۰) که بر اساس آن نگرش، دانش و ارزش به‌عنوان عناصر اصلی فرهنگ معرفی شده‌اند، پیوند بیشتری دارد.

گابریل آلموند به عنوان پدیدآورنده مفهوم فرهنگ سیاسی معتقد است که فرهنگ سیاسی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از فرهنگ عمومی با آن در ارتباط بوده و در عین حال استقلال نسبی دارد. تفاوت عمده‌ای که در تعاریف فرهنگ و فرهنگ سیاسی وجود دارد در این است که در تعاریف فرهنگ سیاسی بر ذهنی بودن آن تأکید شده و آن را به عنوان عاملی در نظر می‌گیرند که بر رفتارهای عینی افراد تأثیر می‌گذارد. این در حالی است که در تعاریف فرهنگ، هنجارها که نشان‌دهنده رفتارهای عینی افراد می‌باشند، اغلب به‌عنوان یکی از اجزای اصلی فرهنگ در نظر گرفته شده است.



شکل ۱- عناصر اصلی فرهنگ از نظر اینگلهارت

آلموند نخستین بار در سال ۱۹۵۶، فرهنگ سیاسی را این‌گونه تعریف کرد: «هر نظام سیاسی در درون الگوی خاصی از سمت‌گیری برای کنش سیاسی فعالیت دارد که خوب است آن را فرهنگ سیاسی بنامیم» (۹ / ص ۳۴۵). وی با همکاری سیدنی وربا در اثر مشترک خود با نام «فرهنگ مدنی»، منظور خود از فرهنگ سیاسی را به‌طور مشخص‌تری عرضه داشت. «وقتی از فرهنگ سیاسی یک جامعه سخن می‌گوییم در واقع به نظام سیاسی به همان وجهی که در قالب شناخته‌ها، احساسات و ارزشیابی‌های اعضای آن و در ذهن و روح آنها جای‌گیر شده است، نظر داریم» (۹ / ص ۳۴۵). بر اساس تعریف جدیدتر آلموند و پاول (۱۹۹۲) «هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از نگرشها، ارزشها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است» (۲ / ص ۲۷).

سایر تعاریف ارائه شده از لحاظ فضای مفهومی با تعریف یاد شده از آلموند و پاول، اشتراکات یا همپوشی قابل توجه داشته به نحوی که هیچ دو تعریفی را نمی‌توان یافت که در برابر یا تقابل با یکدیگر قرار گیرند.

دو عنصر اصلی در بسیاری از این تعاریف وجود دارد. عنصر اول ارزشهای سیاسی (۱۷؛ ۹؛ ۳۵، ۲۸) و عنصر دوم باورهای سیاسی است (۱۷؛ ۶؛ ۹؛ ۱؛ ۲۵، ۲۸). احساسات نسبت به نظام سیاسی (۲؛ ۶؛ ۹؛ ۲۷) و دانش یا اطلاعات نسبت به نظام سیاسی (۲؛ ۳؛ ۲۷) دو عنصر دیگر هستند که علاوه بر باورها و ارزشهای سیاسی بر آنها نیز تأکید شده است. بر این اساس می‌توان فرهنگ سیاسی را پدیده‌ای چهاربعدی در نظر گرفت.

باور	احساس
فرهنگ سیاسی	
ارزش	دانش

شکل ۲- عناصر اصلی فرهنگ سیاسی

ارزشها، باورها و احساسات هر کدام به جنبه‌هایی از فرهنگ سیاسی اشاره دارند که نشان‌دهنده سطح آگاهی نسبت به نظام سیاسی بوده، بلکه می‌توان همگی آنها را نوعی جهت‌گیری نسبت به نظام سیاسی دانست. دانش نسبت به ساختار نظام سیاسی، حقوق و تکالیف سیاسی، رویدادهای سیاسی و ... در تعیین نوع فرهنگ سیاسی و اینکه باورها، ارزشها و احساسات تا چه اندازه می‌توانند ناشی از آگاهیهای افراد نسبت به نظام سیاسی خود باشد، دارای اهمیت است. در تحقیق حاضر فرهنگ سیاسی به عنوان «باورها، ارزشها، احساسات و دانش افراد نسبت به نظام سیاسی خود» تعریف شده است. این چهار عنصر با یکدیگر در ارتباط بوده و همدیگر را تحت تأثیر متقابل قرار می‌دهند. از ارتباط متقابل این عناصر کل به هم پیوسته‌ای شکل می‌گیرد که می‌توان آن را فرهنگ سیاسی نامید.

باور

باور پذیرش یک گزاره یا قضیه است. این گزاره یا قضیه در جهان خارج لزوماً واقعی نیست و چه بسا خلاف آن باشد اما در نظر فرد یا گروه واقعیت دارد. باورها درباره چستی عینت‌های مختلف شکل می‌گیرند. گزاره‌هایی از قبیل دولت کارآمد است، مشاغل سیاسی بر اساس لیاقت احراز نشده‌اند، مخالفان قانونی تحمل می‌شوند و ... مثالهایی از باورهای سیاسی هستند. باورها «مجموعه یا مجموعه‌هایی اساسی از اندیشه هستند پیرامون اینکه مثلاً جهان‌ها از جمله جهان اجتماعی چیست و این باورها به صورت حقیقتی تقریباً غیر قابل تردید پذیرفته شده‌اند» (۸ / ص ۵۸). بر این اساس باورها

هر چند تغییر پذیرند اما به سادگی تغییر نمی‌کنند و یک فرد باید با شواهد متعددی در رابطه با خلاف باور خود روبه‌رو شود تا باور خود را تغییر دهد.

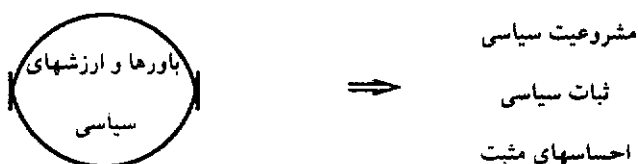
در چارچوب فرهنگ سیاسی آنچه اهمیت دارد این است که اعضای تشکیل‌دهنده نظام اجتماعی چه تصویری نسبت به خرده‌نظام سیاسی دارند نه اینکه خرده‌نظام سیاسی واقعاً دارای چه ویژگی‌هایی است. ممکن است نظام سیاسی یک نظام توتالیتر باشد و مردم تصویری دموکراتیک از آن داشته باشند. نوع رفتارهای افراد در چنین نظامی بر اساس باور آنها شکل می‌گیرد. باورها نوعی آمادگی ذهنی یا روانی برای انجام یا ترک رفتارهای خاص نیز تعریف می‌شوند. به عبارت دیگر باورهای مختلف افراد نسبت به یک پدیده، آنها را به رفتارهای متفاوتی رهنمون خواهد کرد.

ارزش

اگر در جهان اجتماعی، باورها به سؤال «چیست؟» پاسخ می‌گویند، ارزشها به سؤال «چه باید باشد؟» پاسخ می‌دهند. ارزشها را می‌توان کمال مطلوب یا آرمانها و آرزوها دانست. ارزشها بسیار پایدارند و به سادگی تغییر نمی‌کنند. می‌توان گفت پایداری ارزشها و طول عمر آنها بسیار بیشتر از باورهاست. در پاسخ به پرسشهایی نظیر اینکه آیا مخالفان قانونی باید تحمل شوند، آیا زنان می‌توانند رئیس جمهور شوند، آیا دین و دولت پیوندی ناگسستنی دارند و پرسشهایی از این قبیل، ارزشها نقش اساسی بازی می‌کنند.

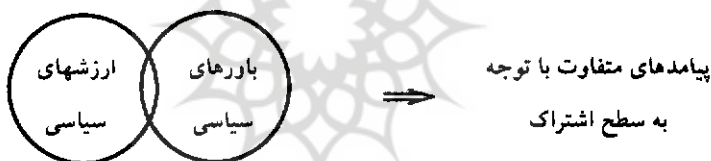
ارزشها روی یک طیف قرار می‌گیرند و حالتی سلسله‌مراتبی دارند. به عبارت دیگر افراد در نظام اجتماعی دست به اولویت‌بندی ارزشها می‌زنند و به برخی جنبه اصلی و به برخی دیگر جنبه فرعی می‌دهند. بنابراین هنگام طرح ارزشهای یک جامعه معین به این ویژگی باید توجه شود. در دو غایت طیف ارزشهای اجتماعی اغلب ارزشهای مادی و فرامادی (۴/ ص ۱۴۷) یا ابزارگرا و کمالگرا (۵/ ص ۹۲) قرار می‌گیرد.

وضعیت ارزشها و باورها در کنار یکدیگر، یکی از مهمترین جنبه‌های فرهنگ سیاسی است که می‌تواند برای یک خرده‌نظام سیاسی مورد توجه قرار گیرد. سه وضعیت را در این مورد می‌توان در نظر گرفت. وضعیت اول، هنگامی است که ارزشها و باورها کاملاً بر هم منطبق بوده و در واقع «بایدها» برای یک نظام سیاسی با «چیستها» برای آن نظام، در نزد افراد و گروهها بر روی یکدیگر قرار می‌گیرند. این حالتی است که در آن رضایت از خرده‌نظام سیاسی به حد اعلا می‌رسد.



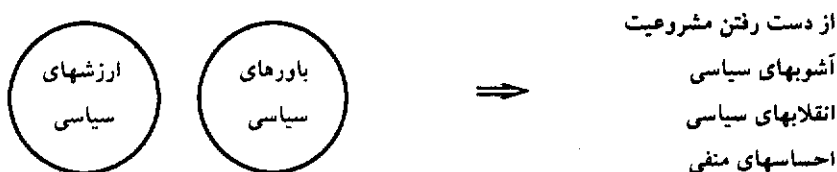
شکل ۳- انطباق کامل باورها و ارزشهای سیاسی

وضعیت دوم؛ در این حالت هر چند باورهای سیاسی کاملاً بر ارزشها انطباق ندارند اما دارای نقاط اشتراک با یکدیگر هستند. بسته به اینکه سطح اشتراک بین باورها و ارزشها چه میزان باشد، پیامدها متفاوت خواهد بود. در حالی که سطح اشتراک زیاد می‌تواند منجر به پیامدهایی نظیر افزایش مشارکت سیاسی، سطح مشروعیت قابل قبول نظام سیاسی، ثبات سیاسی و ... شود، سطح اشتراک اندک به انزوای سیاسی، از دست رفتن تدریجی مشروعیت نظام سیاسی و ناپایداری در این نظام منجر می‌شود.



شکل ۴- انطباق نسبی باورها و ارزشهای سیاسی

در حالت سوم، وجود شکاف یا عدم انطباق کامل ارزشها و باورهای سیاسی می‌تواند به وضعیتهایی نظیر آشوبها یا انقلابهای سیاسی منجر شود.



شکل ۵- انفکاک کامل باورها و ارزشهای سیاسی

ارزشها نیز همچون باورها، بستر لازم را برای رفتارهای معین فراهم می‌آورند. واکنش افراد در برابر محرکهای مختلف اجتماعی بر اساس سلسله‌مراتب ارزشی آنها متفاوت می‌شود.

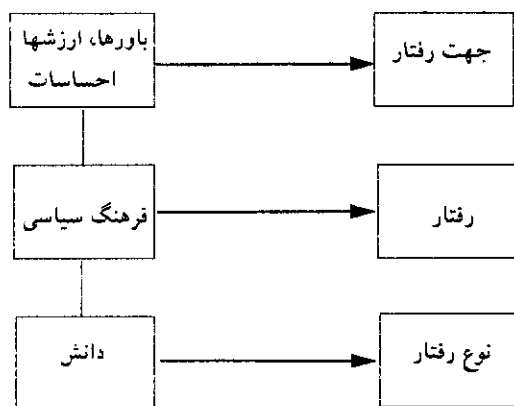
احساس

احساس را می‌توان به انواع زیست‌شناختی و اجتماعی تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی بویژه در نظریه کنش متقابل نمادی مورد توجه قرار گرفته است. احساسات نسبت به نظام سیاسی یا اجزای آن از نوع احساسات اجتماعی هستند. «یک احساس اجتماعی، از طریق فرهنگ و روابط اجتماعی مشخص تعریف می‌شود و شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر الگو، نحوه بروز و همچنین ادراک درونی یک احساس از طریق فرهنگ شکل می‌گیرد و در شرایط خاص قابل تغییر است. ... بیشتر احساسات شناخته شده نظیر افسوس، حسادت، تقصیر، عشق، غرور و تنفر به نظر می‌رسند که احساسهای اجتماعی باشند» (۱۱ / ص ۱۴-۱۵).

احساس وفاداری به نظام سیاسی، احساس تعلق و وابستگی به سرزمین، ملت یا قوم و قبیله، احساس افتخار به داشتن یک رهبر، احساس سرشکستگی یا دلزدگی از آشفته‌گیهای سیاسی، نمونه‌هایی از احساسات سیاسی مثبت یا منفی هستند.

دانش

کارپینی و کیتز (۱۹۹۳) برای تعیین فضای مفهومی دانش سیاسی به این جمله باربر متوسل می‌شوند که «حکومت چیست و چه می‌کند؟» (P. 1881 / 23). پاسخ به این سؤال کوتاه بسیار طولانی و در عین حال مشکل است، اما چنانچه هر فرد بتواند به این سؤال پاسخ دهد می‌توان گفت دانش او نسبت به نظام سیاسی خود بسیار بالا است. دانش افراد راجع به موضوعاتی نظیر حقوق و تکالیف شهروندی، احزاب سیاسی و اولویت‌های برنامه‌ای آنها، شیوه انتخاب یا انتصاب و به عبارتی گزینش مسؤولان در خرده نظام سیاسی، انواع نظامهای سیاسی و ویژگیهای آنها، وضعیت کنونی قوای سه‌گانه و پایگاه احزاب مختلف در آنها و ... را می‌توان به عنوان جنبه‌هایی از دانش سیاسی تلقی کرد. سطح دانش سیاسی افراد تا حد زیادی می‌تواند در تعیین محتوای شخصیت سیاسی افراد و در نهایت فرهنگ سیاسی گروه‌ها تعیین‌کننده باشد. مرکز تحقیقات پیمایشی دانشگاه میشیگان (P. 1195 / 23) به منظور تعیین دانش سیاسی افراد سه مقوله را مورد توجه قرار داده است: دانش نسبت به افراد، دانش نسبت به احزاب و دانش نسبت به قوانین مدنی.



شکل ۶- فرهنگ سیاسی تعیین‌کننده جهت و نوع رفتارهای سیاسی

به‌طور کلی انتظار می‌رود هر چه دانش سیاسی افراد بیشتر باشد، باورها، ارزشها و احساسات افراد نسبت به خرده‌نظام سیاسی از پایه‌های مستحکمتری برخوردار بوده و افراد یا گروهها به رفتارهای آگاهانه‌تری دست زنند. همچنین می‌توان احتمال داد در حالی که ارزشها، باورها و احساسات جهت رفتارهای سیاسی افراد را مشخص می‌کنند، دانش سیاسی، نوع رفتارها را تعیین کند.

گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی

به‌طور کلی به‌منظور گونه‌شناسی یا نوع‌شناسی فرهنگ سیاسی یک جامعه یا گروه باید به پرسشهای متعددی راجع به وضعیت اعضای آن جامعه یا گروه نسبت به نظام سیاسیشان پاسخ داد. برخی از پرسشهای قابل طرح به شرح زیر هستند:

- دانش افراد نسبت به تاریخ و ویژگیهای جغرافیایی کشور خود در چه سطحی است؟
- دانش افراد نسبت به ساختار نظام سیاسی خود - عناصر مختلف موجود در نظام سیاسی و رابطه آنها با یکدیگر - در چه سطح است؟
- افراد تا چه حد با حقوق و تکالیف اساسی خود و حاکمان آشنا هستند؟

- به نظر افراد، گروه‌های مخالف حکومت و یا حتی گروه‌هایی که به‌عنوان گروه‌های منفور شناخته می‌شوند، تا چه حد باید تحمل شوند؟

- مردم تا چه حد به یکدیگر و به حاکمان اعتماد دارند؟ سطح اعتماد حاکمان به مردم در چه حد است؟

- اعضای جامعه هزینه فعالیت‌های سیاسی را تا چه حد می‌دانند و به عبارت دیگر محیط سیاسی نظام اجتماعی را تا چه حد تهدیدآمیز یا ایمن برآورد می‌کنند؟

- آیا مردم به حکومت به‌عنوان یک منبع دستورات نگاه می‌کنند یا یک منبع نیک خواهی که به آنها کمک می‌کند؟

- به نظر اعضای جامعه، آنها تا چه حد در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های حاکمان نقش دارند و حکومت تا چه حد به تقاضاها و سؤالات آنها توجه داشته و سعی در پاسخگویی به آنها دارد. آیا آنها نظام سیاسی را نامربوط به زندگی خود می‌دانند یا آن را کاملاً مؤثر می‌پندارند؟ به عبارت دیگر اثربخشی درونی و بیرونی نظام در چه حدی است؟

- اعضای جامعه، نسبت به حکومت خود به طور کلی دارای چه احساسی هستند؟ آیا نسبت به آن احساس غرور و افتخار می‌کنند یا احساس سرشکستگی؟ احساس دل‌بستگی می‌کنند یا انزجار؟ نسبت به هر یک از عناصر ساخت سیاسی خود چه احساسی دارند؟

نظریه پردازان مختلف ترجیح می‌دهند که بر اساس چنین معیارهایی و یا با تأکید بر برخی از آنها انواع فرهنگ‌های سیاسی جوامع و گروه‌ها را تعیین کنند. گابریل آلموند (۱۹۶۳) سه نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی، انقیادی یا تبعی و محدود و یا ترکیبی از آنها را تشخیص می‌دهد. دانیل الازار (۱۹۷۵) در گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی مردم آمریکا سه نوع فردگرا، اخلاق‌گرا و سنتی را شناسایی می‌کند. والتر روزن‌بام (۱۹۷۵) پنج نوع فرهنگ سیاسی مدنی، غیردینی، ایدئولوژیک، همگن و چندپاره را علاوه بر انواع مورد نظر آلموند از یکدیگر متمایز می‌کند. لوسین پای (۱۳۷۰) علاوه بر توجه و تأکید بر گونه‌شناسی آلموند به دو نوع فرهنگ سیاسی فردگرا و جمع‌گرا اشاره می‌کند. محمود سریع‌القلم (۱۳۷۷) فرهنگ سیاسی عشیره‌ای را به‌عنوان گونه‌ای از فرهنگ سیاسی که

منعکس‌کننده و ویژگیهای بخش مهمی از فرهنگ سیاسی ایران در طول تاریخ است، معرفی می‌کند. سمیح فارسون و مهرداد مشایخی (۱۳۷۹) نیز در اشاره به فرهنگ سیاسی مردم ایران در ابتدای انقلاب اسلامی از انواع اسلام‌گرا، آزادیخواه و جامعه‌گرا نام برده و ویژگیهای هر کدام را برمی‌شمرند.

برخی از تقسیم‌بندی‌ها نیز در فرهنگ سیاسی صورت گرفته است که البته نمی‌توان آنها را به عنوان نوع یا گونه دانست بلکه بیشتر تجربه‌ای برای شناخت دقیق‌تر است. مهمترین تقسیم‌بندی در این باره تقسیم فرهنگ سیاسی به دو نوع توده و نخبه می‌باشد (۱۹ / ص ۴۴۷؛ ۲ / P. 27).

در مجموع می‌توان گفت عمومی‌ترین نوع‌شناسی از فرهنگ سیاسی، نوع شناسی گابریل آلموند است که دانشمندان و صاحب‌نظران متعددی آن را مورد توجه قرار داده‌اند (۱۰ / ص ۷۱؛ ۹ / ص ۳۴۵؛ ۱۷ / ص ۱۱۴).

گونه‌شناسی گابریل آلموند

گابریل آلموند یک نوع‌شناسی سه سطحی از فرهنگ سیاسی ارائه داده است و تأکید می‌کند که در هر جامعه نوع خالصی از فرهنگ سیاسی مشاهده نشده بلکه ترکیبی از این انواع دیده می‌شود: فرهنگ سیاسی محدود به عنوان سطح پایین، فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیادی به عنوان سطح میانی و فرهنگ سیاسی مشارکتی به عنوان سطح بالا تعریف شده‌اند. توجه آلموند به فرهنگ سیاسی در زیرمجموعه توجه او به توسعه سیاسی قرار می‌گیرد. برای آلموند توسعه سیاسی، به توسعه در ساخت سیاسی و فرهنگ سیاسی تجزیه می‌شود. هر چه در یک جامعه فرهنگ سیاسی از سطح پایین یا محدود به سطح بالا یا مشارکتی نزدیکتر شود می‌توان گفت نظام سیاسی آن جامعه در بُعد فرهنگی توسعه یافته‌تر است.

از نظر آلموند هر فرهنگ سیاسی سه جزء دارد: ۱- جهت‌گیری شناختی، مربوط به دانسته‌ها و باورهای مردم از نظام سیاسی و شناخت از مقررات، نقش‌ها، نهادها و داده‌ها. ۲- جهت‌گیریهای عاطفی که به احساس مردم نسبت به نظام سیاسی، مقررات، نقش‌ها و داده‌های نظام ارتباط می‌یابد. ۳- جهت‌گیریهای مبتنی بر ارزشیابی که شامل

قضاوت‌هایی نسبت به هدف‌های سیاسی می‌شود. بر اساس چنین معیارهایی است که وی سه‌گونه اصلی از فرهنگ سیاسی را پیشنهاد می‌کند.

هر چند که بررسی ادبیات مربوط به گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی نشان می‌دهد که گونه‌شناسی آلموند از عمومیت بیشتری برخوردار است، اما نمی‌توان گفت جامعیت آن به حدی است که بتوان آن را برای مطالعه انواع فرهنگ‌ها یا خرده‌فرهنگ‌های سیاسی، بدون تغییر در جوامع و گروه‌های مختلف به کار گرفت. ویژگی‌های فرهنگ سیاسی عشیره‌ای که محمود سریع‌القلم (۱۳۷۷) ارائه داده است نشان می‌دهد که برای شرایط خاص یک جامعه، می‌توان ویژگی‌های متنوعی را برای فرهنگ سیاسی برشمرد، ویژگی‌هایی که از دید ناظر ناآشنا به شرایط خاص و بومی یک جامعه می‌تواند نادیده گرفته شود و لذا به شناختی ناقص از فرهنگ سیاسی جوامع ختم گردد. در حالی که استفاده از گونه‌شناسی‌های مبتنی بر شرایط خاص محلی می‌تواند شناخت عمیق‌تری را از واقعیت‌های نظام اجتماعی و سیاسی فراهم آورد. در هر حال این اطمینان وجود دارد که استفاده از گونه‌شناسی‌هایی نظیر مواردی که آلموند، الازار، روزن‌بام ارائه داده‌اند می‌تواند به‌عنوان یک پایه اولیه در شناخت انواع فرهنگ سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

با توجه به اینکه در گذشته نسبت به شناخت خرده‌فرهنگ سیاسی دانشجویان در ایران تلاش جدی صورت نگرفته است، سعی خواهد شد برای تعداد زیادی از متغیرهای ذکر شده در گونه‌شناسی‌های مختلف بویژه بر اساس گونه‌شناسی گابریل آلموند و جمع‌آوری اطلاعات برای آن متغیرها از سطح جامعه آماری مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل آنها، گونه‌شناسی خاصی ارائه شود که ضمن پیوند با گونه‌های معرفی شده از سوی آلموند، ویژگی مبتنی بودن بر شرایط خاص جامعه مورد مطالعه را نیز از دست ندهد. به عبارت دیگر به جای آنکه از ابتدا گونه‌هایی در نظر گرفته شده و سپس سعی شود که دانشجویان در یکی از آن گونه‌ها قرار گیرند (روش تأییدی) بر اساس تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلف در جامعه مورد مطالعه سعی گردیده است گونه‌ها مشخص و نامگذاری شوند (روش اکتشافی). جمع‌آوری اطلاعات راجع به متغیرهای مختلف در حیطه فرهنگ سیاسی و تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده

به منظور تعیین گونه‌ها، امکان شناخت کاملتری را نسبت به زمانی که اطلاعات بر اساس قالب از پیش طرح‌ریزی شده جمع‌آوری و سپس افراد در آن قالبها ریخته شوند فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی تحقیق

از بین انواع روشهای تعریف شده از طرف صاحب‌نظران علوم اجتماعی، روش تحقیق حاضر را باید از نوع پیمایشی دانست. جامعه یا جمعیت آماری تحقیق، شامل همه دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ در بخش دولتی و دانشگاههای آزاد اسلامی است. آخرین آمار موجود مربوط به سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ است که بر اساس آن تعداد کل دانشجویان شاغل به تحصیل برابر با ۱/۴۰۴/۸۸۰ نفر است. با توجه به منابع موجود (۲۲ / ص ۴۳) جامعه آماری با تعداد بیشتر از رقم فوق هر چند بر حجم نمونه تأثیر می‌گذارد، اما این تأثیر بسیار نامحسوس است. لذا استفاده از تعداد کل مربوط به سال تحصیلی قبل از مطالعه در محاسبه تعداد کل حجم نمونه، خطای بسیار اندک و قابل چشم‌پوشی به بار می‌آورد.

به منظور برآورد حجم نمونه مورد مطالعه از فرمول مبتنی بر استفاده از میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات استفاده شده است. فرمول مورد استفاده به شرح زیر است:

$$n = \frac{t^2 V^2 N}{N \eta^2 + t^2 V^2}$$

در این فرمول:

V ضریب تغییرات صفت بر حسب درصد، N حجم جامعه اصلی، η خطای نسبی مجاز حدی برای نمونه بر حسب درصد و t ضریب مشخص‌کننده احتمال خطای حدی یعنی احتمال اینکه خطای واقعی نمونه از خطای حدی تجاوز نخواهد کرد، می‌باشد (۲۲ / ص ۱۲۶).

جدول ۱- حجم n بر اساس میزان پراکندگی متغیرهای اصلی مورد مطالعه در تحقیق

n	V	σ	X	متغیر مورد مطالعه	
۹۸۱	۴۷	۳/۹۵	۸/۴۵	باور سیاسی اثربخشی بیرونی	وابسته
۴۲۷	۳۱	۳/۸۶	۱۴/۳۸	باور سیاسی اثربخشی درونی	
۷۴۷	۴۱	۴/۲۰	۱۰/۱۷	باور سیاسی آزادی نشر	
۲۳۵	۲۳	۳/۶۴	۱۶/۱۲	ارزش سیاسی آزادی نشر	
۴۰۰	۳۰	۳/۶۱	۱۱/۹۳	باور سیاسی اعتماد به مسئولان سیاسی	
۳۲۴	۲۷	۳/۷۵	۱۳/۸۱	باور سیاسی اعتماد به مردم	
۷۴۷	۴۱	۱/۰۲	۲/۵۱	اولویت ارزش مادی	
۷۱۱	۴۰	۰/۹۵	۲/۳۹	اولویت ارزش فرامادی	
۱۳۹۲	۵۶	۵/۲۵	۹/۴۵	احساس نسبت به نظام سیاسی	
۱۲۰۱	۵۲	۲/۸۱	۵/۴۴	دانش سیاسی	
۲۵۶	۲۴	۳/۸۱	۱۶/۱۱	بعد اعتقادی دینداری	مستقل
۳۲۴	۲۷	۴/۱۰	۱۵/۲۷	بعد تجربی دینداری	
۳۲۴	۲۷	۳/۱۲	۱۱/۴۵	بعد پیامدی دینداری	
۲۳۵	۲۳	۳/۴۵	۱۵/۳۱	بعد مناسکی دینداری	
۵۱۴	۳۴	۴/۰۷	۱۱/۹۴	نظارت در خانواده	
۳۲۴	۲۷	۴/۳۵	۱۶/۰۲	عشق در خانواده	

اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۱، محاسبات انجام شده جهت تعیین حجم نمونه را ارائه داده است. تعیین حجم نمونه نهایی بر اساس پراکندگی متغیر باور سیاسی اعتماد به مردم انجام شده است. داشتن بالاترین ضریب تغییرات نشان‌دهنده بیشترین

پراکندگی در جامعه آماری در توزیع متغیر مذکور است. مقدار ضریب تغییرات برابر ۵۶، خطای نسبی مجاز حدی برای نمونه بر حسب درصد برابر ۳ و مقدار T برابر ۲ در نظر گرفته شده است. بر اساس این اطلاعات حجم نمونه بر اساس بیشترین پراکندگی موجود ۱۳۹۲ نفر محاسبه شده است. به علت احتمال مخدوش بودن و یا داشتن پرسشهای زیاد بدون پاسخ و در نتیجه حذف برخی از پرسشنامه‌ها، تعداد ۵۰ واحد، به حجم کل نمونه اضافه گردید. حذف ۴۴ پرسشنامه به علت مخدوش بودن و یا بدون پاسخ بودن، منجر به ماندن ۱۳۹۸ پرسشنامه در تجزیه و تحلیل نهایی گردید.

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق سهمیه‌ای بوده است. به منظور تعیین سهمیه‌ها برای هر یک از جمعیت‌های فرعی از چهار متغیر اصلی فردی و آموزشی یعنی جنس، مقطع تحصیلی و رشته‌های عمده تحصیلی و نوع دانشگاه استفاده شده است تا پراکندگی لازم در نمونه مورد مطالعه به دست آید.^۱ هر چند استان محل تحصیل به عنوان متغیری در تعیین سهمیه‌ها نبوده است ولی به نحوی عمل گردید که متناسب با امکانات محقق از نقاط مختلف ایران، دانشجویان، مورد مطالعه قرار گیرند. تهران به عنوان مهمترین مرکز تجمع دانشجویی کشور و از پنج ناحیه جغرافیایی مرکز، شمال غربی، شمال شرقی، جنوب غربی و جنوب شرقی نیز به ترتیب استانهای اصفهان، آذربایجان شرقی، خراسان، خوزستان و کرمان انتخاب و بخشهایی از سهمیه اختصاص داده شده به گروههای مختلف در هر یک از این استانها مورد پرسش قرار گرفتند. توزیع نمونه مورد مطالعه در جداول (۲) تا (۵) ارائه شده است.

ابزار گردآوری داده‌های مورد نیاز تحقیق، پرسشنامه بوده است. به منظور تعیین اعتبار طیفهای سنجش متغیرهای تحقیق، از روش اعتبار اندازه‌گیری بر اساس گروههای شناخته شده استفاده شده است. به منظور تعیین پایا بودن اغلب ابزارهای سنجش طرح شده در پژوهش، از روش محاسباتی آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین در برخی از موارد، استفاده از روش دو نیمه کردن به علت نوع سؤالات طرح شده ترجیح داده شده است. نمونه مورد بررسی در مطالعه مقدماتی شامل ۶۰ نفر از دانشجویان بوده است که بر اساس معیارهای جنس، نوع دانشگاه، نوع رشته و مقطع تحصیلی انتخاب شده‌اند.

جدول ۲- توزیع نمونه آماری مورد مطالعه در بخش دولتی به تفکیک گروه، مقطع و جنس در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ (تعداد)

جمع	دکترای تخصصی و حرفه‌ای		کارشناسی ارشد			کارشناسی			کاردانی			مقطع تحصیلی		
	زن	مرد	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	مقطع تحصیلی رشته تحصیلی	جنس	
۹۳	۱۵	۷۶	۴۱	-	۱	۱	۲۱	۹	۳۰	۱۴	۷	۲۱	پزشکی	
۲۹۸	-	۲	۲	۲	۸	۱۰	۱۳۷	۱۳۱	۲۶۸	۵	۱۳	۱۸	علوم انسانی	
۹۱	-	۲	۲	۱	۳	۴	۴۵	۴۰	۸۵	-	-	-	علوم پایه	
۱۴۱	-	-	-	۲	۷	۹	۱۸	۵۷	۷۵	۱۰	۴۷	۵۷	فنی و مهندسی	
۴۰	-	۱	۱	-	۲	۲	۱۲	۱۵	۲۷	۳	۷	۱۰	کشاورزی و دامپزشکی	
۲۴	-	-	-	۱	۳	۴	۴	۳	۷	۷	۶	۱۳	هنر	
۹۸۷	۱۵	۳۱	۴۶	۶	۲۴	۳۰	۲۳۷	۲۵۵	۴۹۲	۳۹	۸۰	۱۱۹	جمع	

جدول ۳- توزیع نمونه آماری مورد مطالعه بر حسب درصد در بخش دولتی به تفکیک گروه، مقطع و جنس در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹ (درصد)

جمع	دکترای تخصصی و حرفه‌ای			کارشناسی ارشد			کارشناسی			کارادانی			مقطع تحصیلی	گروه همده رشته تحصیلی جنس
	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع		
۱۳/۵۴	۲/۱۸	۳/۷۸	۵/۹۷	—	۰/۱۵	۰/۱۵	۳/۰۶	۱/۳۱	۴/۳۷	۲/۰۴	۱/۰۲	۳/۰۶		پزشکی
۴۳/۳۸	—	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۹	۱/۱۶	۱/۴۶	۱۹/۹۴	۱۹/۰۷	۳۹/۰۱	۰/۷۳	۱/۸۹	۲/۶۲		علوم انسانی
۱۳/۲۵	—	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۱۵	۰/۴۴	۰/۵۸	۶/۵۵	۵/۸۲	۱۲/۳۷	—	—	—		علوم پایه
۲۰/۵۲	—	—	—	۰/۲۹	۱/۰۲	۱/۳۱	۲/۶۲	۸/۳۰	۱۰/۹۲	۱/۴۶	۶/۸۴	۸/۳۰		فنی و مهندسی
۵/۸۲	-	۰/۱۵	۰/۱۵	—	۰/۲۹	۰/۲۹	۱/۷۵	۲/۱۸	۳/۹۳	۰/۴۴	۱/۰۲	۱/۴۶		کشاورزی و دامپزشکی
۲/۴۹	—	—	—	۰/۱۵	۰/۴۴	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۴۴	۱/۰۲	۱/۰۲	۰/۸۷	۱/۸۹		هنر
۱۰۰	۲/۱۸	۴/۵۱	۶/۷۰	۰/۸۷	۳/۴۹	۴/۳۷	۳۴/۵۰	۳۷/۱۲	۷۱/۶۲	۵/۶۸	۱۱/۶۴	۱۷/۳۲		جمع

جدول ۴- توزیع نمونه آماری مورد مطالعه در دانشگاه‌های آزاد اسلامی به تفکیک گروه، مقطع و جنس در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹ (تعداد)

جمع	دکترای تخصصی و حرفه‌ای		کارشناسی ارشد			کارشناسی			کاردانی			مقطع تحصیلی
	زن	مرد	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	
۲۵	۳	۵	۸	-	-	۱۵	۳	۱۸	۷	۲	۹	گروه صدها رشته تحصیلی جنس
۴۰۹	-	۲	۲	۵	۱۰	۱۶۵	۱۶۲	۳۲۷	۳۶	۲۹	۶۵	علوم انسانی
۶۳	-	-	-	۱	۲	۲۷	۱۹	۴۶	۸	۶	۱۴	علوم پایه
۱۵۴	-	-	-	-	۲	۱۶	۸۷	۱۰۳	۱۱	۳۸	۴۹	فنی و مهندسی
۲۵	-	-	-	-	-	۵	۲۳	۲۸	-	۷	۷	کشاورزی و دامپزشکی
۱۵	-	-	-	۲	۳	۳	۳	۶	۲	۲	۴	هنر
۷۱۱	۳	۷	۱۰	۸	۱۷	۲۳۱	۲۹۷	۵۲۸	۶۴	۸۴	۱۴۸	جمع

جدول ۵- توزیع نمونه آماری مورد مطالعه بر حسب درصد در دانشگاه‌های آزاد اسلامی به تفکیک گروه، مقطع و جنس در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹ (درصد)

جمع	دکترای تخصصی و حرفه‌ای		دکترای ارشد		کارشناسی			کارادانی			مقطع تحصیلی گروه عمده رشته تحصیلی جنس			
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع				
۴/۹۲	۰/۴۲	۰/۷۰	۱/۱۳	-	-	-	۲/۱۱	۰/۴۲	۲/۵۳	۰/۹۸	۰/۲۸	۱/۲۷	پزشکی	
۵۷/۵۲	-	۰/۲۸	۰/۷۰	۱/۴۱	۲/۱۱	۲۳/۲۱	۲۲/۷۸	۴۵/۹۹	۵/۰۶	۴/۰۸	۹/۱۴	علوم انسانی		
۸/۸۶	-	-	۰/۱۴	۰/۲۸	۰/۴۲	۳/۸۰	۲/۶۷	۹/۴۷	۱/۱۳	۰/۸۴	۱/۹۷	علوم پایه		
۲۱/۶۶	-	-	-	۰/۲۸	۰/۲۸	۲/۲۵	۱۲/۲۴	۱۴/۴۹	۱/۵۵	۵/۳۴	۶/۸۹	فنی و مهندسی		
۴/۹۲	-	-	-	-	-	۰/۷۰	۳/۲۳	۲/۹۴	-	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	کشاورزی و دامپزشکی	
۲/۱۱	-	-	۰/۲۸	۰/۴۲	۰/۷۰	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۸۴	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۵۶	۰/۵۶	هنر	
۱۰۰	۰/۴۲	۰/۹۸	۱/۴۱	۱/۱۳	۲/۳۹	۳/۵۲	۳۲/۴۹	۴۱/۷۷	۷۴/۲۶	۹/۰۰	۱۹/۸۱	۲۰/۸۲	جمع	

در این بخش از تحقیق که نوع مطالعه توصیفی می‌باشد، محقق سعی در پاسخگویی به دو سؤال داشته است: ۱- به لحاظ فرهنگ سیاسی، دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران را در چند گونه می‌توان قرار داد؟ ۲- در هر یک از گونه‌ها چه درصدی از دانشجویان قرار می‌گیرند؟

تجزیه داده‌ها و تحلیل اطلاعات

بر اساس تعریف نظری فرهنگ سیاسی که در این تحقیق مبنای انجام مطالعات تجربی قرار گرفته است در هر یک از ابعاد چهارگانه باورها، ارزشها، دانش و احساسات سیاسی، معرفه‌هایی در نظر گرفته شد که بتوان به کمک اطلاعات مربوط به آنها گونه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان را در ایران مشخص کرد.

در بُعد باورهای سیاسی، متغیرهای اثربخشی درونی، اثربخشی بیرونی، اعتماد به مسئولان سیاسی، اعتماد به مردم و آزادی نشر (به عنوان معرف آزادی بیان) مورد توجه محقق بوده است. اثربخشی یا کارآمدی و همچنین اعتماد از جمله باورهایی هستند که بویژه گابریل آلموند جهت تعریف گونه‌های فرهنگ سیاسی مورد توجه قرار داده است. آزادی بیان نیز به عنوان یکی از مهمترین تقاضاهای سیاسی جامعه دانشجویی از خرده‌نظام سیاسی ایران تلقی می‌شود که سنجش باور درباره آن می‌تواند در تعریف گونه‌های فرهنگ سیاسی بسیار مفید واقع شود.

در بُعد ارزشهای سیاسی نیز علاوه بر استفاده از یک طیف ارزشی مادی/فرامادی، ارزش آزادی نشر در جامعه دانشجویی ایران نیز مورد سنجش قرار گرفت تا با مقایسه آن نسبت به باور درباره آزادی نشر بتوان تصویری از فاصله باورها و ارزشهای سیاسی دانشجویان در ایران به دست آورد.

در بُعد دانش سیاسی مجموعه سؤالاتی در سه زمینه آشنایی با حقوق اساسی شهروندی، ساخت سیاسی و واژه‌های سیاسی برای دانشجویان طرح گردید.

در بُعد احساسات سیاسی نیز بر اساس چهار طیف پیروزی / شکست، شادی / غم، سربلندی / سرافکنندگی و مثبت / منفی، داده‌های مورد نیاز تحقیق گردآوری شده است.

الف) باورهای سیاسی

۱- اثربخشی درونی

به منظور سنجش متغیر اثربخشی درونی چهارگویه «خودم را یک شهروند صاحب حق می‌دانم»، «آرای من در سرنوشت کشورم مؤثر است»، «حس می‌کنم بازیچه سیاستمداران فرار گرفته‌ام» و «می‌توانم به طور مستدل در بحثهای سیاسی شرکت کنم» برای دانشجویان طرح شده است. در یک ارزیابی کلی از باور دانشجویان مورد مطالعه نسبت به اثربخشی درونی، می‌توان گفت که آنها اثربخشی درونی خود را متوسط رو به بالا ارزیابی کرده‌اند.

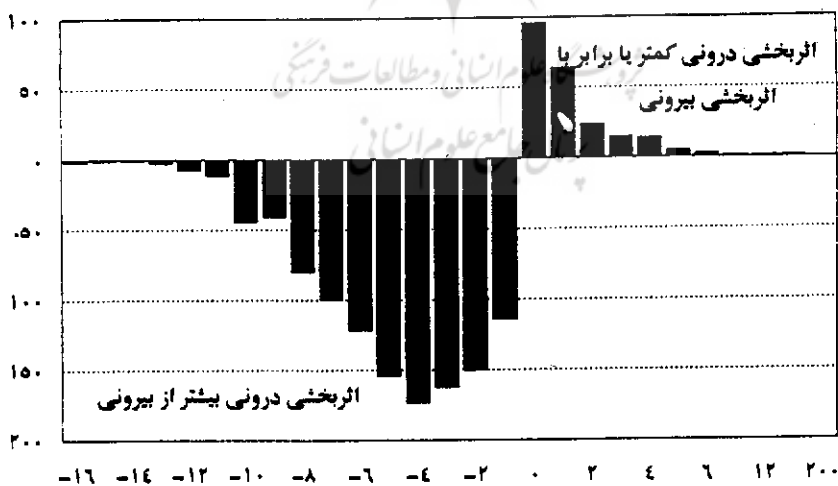
مقایسه دو میانگین فرضی ۱۲ (حد وسط طیف اثربخشی درونی) و میانگین محاسبه شده برابر با $13/2$ نیز از لحاظ آماری دارای تفاوت معنی‌دار بوده و حاکی از بالاتر بودن متوسط اثربخشی بیرونی دانشجویان از نظر خود آنها نسبت به متوسط تعریف شده بر روی طیف است، هر چند شدت تفاوت زیاد ارزیابی نمی‌شود.

۲- اثربخشی بیرونی

جهت سنجش متغیر اثربخشی بیرونی، چهارگویه «مسئولان سیاسی فقط در ظاهر به مردم توجه دارند»، «مسئولان سیاسی مردم را واقعاً صاحب حق می‌دانند»، «مسئولان سیاسی به خواست مردم رسیدگی می‌کنند» و «مسئولان سیاسی در انجام وظایفی که بر عهده آنهاست ناتوان‌اند»، برای پاسخگویان طرح شده است. پاسخهای ارائه شده از طرف نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر آنها بر این باور هستند که مسئولان نظام سیاسی واقعاً خواهان پاسخگویی به خواسته‌های آنها نبوده و یا در انجام آن ناتوان هستند. میانگین مجموع نمرات دانشجویان در نمونه آماری مورد مطالعه برابر $9/4$ از میانگین فرضی ۱۲ (حد وسط طیف اثربخشی بیرونی) از لحاظ آماری به طور معنی‌داری کمتر است و بر این اساس می‌توان انتظار داشت که این وضعیت در جامعه آماری دانشجویان نیز وجود داشته باشد.

مقایسه وضعیت دو متغیر اثربخشی درونی و بیرونی یکی از عناصر مهمی است که می‌توان به کمک آن به تعریف گونه‌های فرهنگ سیاسی پرداخت. این دو متغیر

نشان‌دهنده این وضعیت هستند که تراز توانمندی شهروندان برای مشارکت در نظام سیاسی و توانمندی یا خواست مسئولان سیاسی برای پاسخگویی به تقاضاهای شهروندان در چه وضعیتی قرار دارد. به منظور حفظ یک نظم سیاسی، بهترین وضعیت، حالتی است که این دو متغیر در یک سطح قرار گیرند. در این حالت می‌توان گفت درون‌دادها به نظام سیاسی و برون‌دادها از نظام سیاسی، برابرند. این حالت می‌تواند رضایت سیاسی شهروندان و مسئولان سیاسی را فراهم آورد. نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد که در حال حاضر و بر اساس یک برآورد نقطه‌ای^۱، اثربخشی درونی در جامعه آماری مورد مطالعه بسیار بیشتر از اثربخشی بیرونی است. به عبارت دیگر اکثریت اعضای جامعه آماری بر این باور هستند که توان نظام سیاسی همگام با توانمندی آنها برای مشارکت در نظام سیاسی حرکت نمی‌کند. این وضعیتی است که نتیجه آن می‌تواند نارضایتی جامعه دانشجویی از خرده‌نظام سیاسی باشد. وجود ۸۴٪ از حجم نمونه مورد مطالعه، زیر خط تراز، در نمودار ارائه شده، حاکی از نامطلوب بودن وضعیت دو متغیر اثربخشی درونی و بیرونی برای خرده‌نظام سیاسی است.



۳- اعتماد به مسؤولان سیاسی

در این مورد اعتماد پاسخگویان به چهار گروه وزرای دولت، نمایندگان مجلس، قضات و مسؤولان سیاسی در مجموع مورد سؤال قرار گرفته است.

میانگین فرضی بر اساس حد وسط طیف اعتماد به مسؤولان سیاسی (مقدار ۱۲) و میانگین محاسبه شده (مقدار ۱۰/۴) از لحاظ آماری تفاوت معنی دار دارند ولی شدت تفاوت زیاد نیست. در جمع‌بندی نهایی می‌توان چنین قضاوت کرد که در جامعه آماری دانشجویان ایران، باور افراد بر این است که نمی‌توان به مسؤولان سیاسی و صداقت آنان اعتماد بالایی داشت و حداکثر باید این اعتماد را در حد متوسط دانست.

۴- اعتماد به مردم

در این مورد اعتماد پاسخگویان به چهار گروه دانشجویان، دوستان، خویشاوندان و بازاریان مورد سؤال قرار گرفته است.

مقایسه دو میانگین فرضی بر روی طیف سنجش اعتماد به مردم برابر با ۱۲ و میانگین محاسبه شده برابر ۱۲/۴، حاکی از تفاوت معنی دار آنهاست هر چند شدت تفاوت بسیار اندک است. به عبارت دیگر بر اساس ابزار سنجش اعتماد به مردم باید گفت در جامعه آماری مورد مطالعه اعتماد به مردم در سطحی متوسط و اندکی رو به بالا قرار دارد.

۵- باور درباره آزادی نشر

به منظور سنجش باور دانشجویان درباره آزادی نشر چهار گویه «نشر کتاب با سانسور همراه است»، «روزنامه‌نگاران در نشر مطالب خود با محدودیت‌های شدیدی مواجهند»، «نویسندگان کتاب در نوشتن مطالب خود آزادند» و «روزنامه‌نگاران در نشر مطالب خود آزادند، مگر آنکه محل مبانی اسلام باشد»، به دانشجویان ارائه شده است.

مقایسه دو میانگین فرضی ۱۲ (حد وسط طیف آزادی نشر) و میانگین نمونه مورد مطالعه برابر با ۹/۵ حاکی از تفاوت معنی دار آنهاست. به عبارت دیگر می‌توان گفت نه تنها در نمونه مورد مطالعه، بلکه در جامعه آماری دانشجویان ایران، با اطمینان بالایی باور دانشجویان بر پایین بودن آزادی نشر است.

ب) ارزشها

۱- ارزشهای فرامادی و مادی

تعیین اولویت ارزشی از این جهت حایز اهمیت است که نشان‌دهنده خواست افراد در دو جهت تقریباً متفاوت است. این انتظار وجود دارد که هر چه اولویت ارزشی افراد به سمت ارزشهای فرامادی نظیر؛ آزادی بیان و داشتن جامعه انسانی و بدون خشونت متمایل باشد، افراد از لحاظ سیاسی مشارکت جوتر می‌باشند. همچنین این انتظار وجود دارد که افرادی که اولویت ارزشی آنان بیشتر مادی است، نسبت به افرادی که اولویت ارزشی آنان بیشتر فرامادی است، در دو گونه متفاوت قرار گیرند.

نحوه سنجش اولویت ارزشی دانشجویان با نحوه سنجش سایر متغیرها متفاوت بوده و با ارائه چهار ارزش متفاوت مادی (افزایش فرصتهای شغلی، مبارزه با تورم) و فرامادی (آزادی بیان، داشتن جامعه انسانی تر و بدون خشونت) از آنها خواسته شده است تا اولویت هر یک از آنها را از نظر خودشان، با استفاده از مقادیر ۱ تا ۴ تعیین کنند. توزیع دانشجویان مورد مطالعه، برای تعیین اولویت ارزشی (مادی/فرامادی) سه نمایی است. چنین وضعیتی نشان‌دهنده این واقعیت است که جامعه دانشجویی ایران را می‌توان به سه زیرجمعیت فرعی تقسیم کرد. گروه اول دانشجویانی هستند که برای آنها ارزشهای مادی و بویژه افزایش فرصتهای شغلی نسبت به ارزشهای فرامادی نظیر آزادی بیان در اولویت قرار دارد. گروه دوم دانشجویانی هستند که برای آنان ارزشهای مادی و فرامادی تقریباً اهمیت یکسانی داشته و به طور مشخص در یک جهت اظهار نظر نکرده‌اند و گروه سوم دانشجویانی هستند که برای آنها ارزشهای فرامادی نسبت به ارزشهای مادی از اولویت بالاتری برخوردارند.

در نمونه مورد مطالعه در مجموع، ارزشهای مادی از اولویت بالاتری برخوردارند. تفاوت معنی‌دار دو میانگین برای ارزشهای مادی (۲/۶۷) و ارزشهای فرامادی (۲/۳۹) نشان‌دهنده این واقعیت است که در جامعه آماری مورد مطالعه نیز این تفاوت ارزشی (در جهت اهمیت بیشتر ارزشهای مادی) وجود دارد هر چند شدت این تفاوت زیاد نیست.

۲- ارزش آزادی نشر

به‌منظور سنجش ارزش آزادی نشر برای دانشجویان چهارگویه «آزادی اهل قلم را در پیشرفت کشورم بسیار ضروری می‌دانم»، «باید جلوی نویسندگانی که از مقامات درجه اول کشور انتقاد می‌کنند را بگیریم»، «نویسندگان نباید هر چیزی را بنویسند حتی اگر واقعیت داشته باشد» و گویه «اگر نویسندگان را به هر دلیلی محدود کنیم آزادی را از میان برده‌ایم»، به پاسخگویان ارائه شده است. پاسخ به همه گویه‌های طرح شده برای سنجش متغیر آزادی نشر در جهت تأیید این قضاوت است که آزادی نشر در ایران برای دانشجویان مورد مطالعه از ارزش بسیار بالایی برخوردار است.

مقایسه میانگین $16/3$ با میانگین فرضی 12 (حد وسط طیف ارزش سیاسی آزادی نشر) تفاوت معنی‌داری را از لحاظ آماری نشان می‌دهد و این وضعیت حاکی از اتفاق نظر بسیار بالای دانشجویان راجع به موضوع مورد بررسی و در جهت باارزش بودن آزادی نشر برای آنهاست.

ج) دانش سیاسی

چنین به نظر می‌رسد که دانش سیاسی به‌عنوان یکی از اضلاعی که چهارچوب فرهنگ سیاسی را تعریف می‌کند و رفتار سیاسی را دربرمی‌گیرد، از جمله ابعادی است که بر «نوع رفتار سیاسی» تأثیر می‌گذارد حال آنکه سایر ابعاد بر «جهت رفتار سیاسی» مؤثر واقع می‌شوند. به این معنی که انتظار می‌رود هر چه دانش سیاسی افراد بالاتر رود، رفتارهای سیاسی آنان بیشتر به سمت رفتارهای آگاهانه حرکت کند.

در مجموع و البته با احتیاط (به علت وجود تعداد قابل توجهی از سؤالهای بدون پاسخ) راجع به جامعه آماری دانشجویان مورد مطالعه چنین قضاوت می‌شود که سطح دانش سیاسی آنان مشتمل بر حقوق اساسی شهروندان، ساختار سیاسی و واژه‌های سیاسی، در سطح متوسط رو به پایین است. تفاوت معنی‌دار میانگین محاسبه شده برابر $3/9$ با میانگین فرضی $4/5$ (حد وسط طیف طرح شده برای سنجش دانش سیاسی) تأییدکننده این قضاوت است.

د) احساس نسبت به نظام سیاسی

در این رابطه، چهار طیف پنج درجه‌ای به شیوه افتراق معنایی شامل طیف‌های پیروزی / شکست، غم / شادی، سربلندی / سرافکنندگی و مثبت / منفی برای دانشجویان طرح شده است.

مقایسه دو میانگین فرضی ۱۲ (حد وسط طیف احساس سیاسی) و میانگین محاسبه شده برابر با ۱۰/۸ حاکی از تفاوت معنی‌دار دو میانگین است، هر چند شدت تفاوت زیاد برآورد نمی‌شود. بر اساس مقایسه دو میانگین می‌توان به این قضاوت نهایی رسید که در جامعه آماری دانشجویان ایران احساس افراد نسبت به نظام سیاسی خود بیشتر به سمت احساسهای منفی تمایل دارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل مجموع نمرات برای چهار متغیر تفاوت اثربخشی بیرونی و درونی، تفاوت باور و ارزش سیاسی آزادی‌نشر، اعتماد به مسئولان سیاسی و احساس نسبت به نظام سیاسی خود و صرف نظر از سطح دانش سیاسی آنان، سطح اعتماد آنان به مردم و اولویت ارزشهای مادی یا فرامادی برای آنان^۴، در جامعه آماری سه‌گونه یا سه‌سنخ شناسایی شد.

افرادی که در گونه اول گروه‌بندی شدند، افرادی هستند که اموری نظیر آزادی نشر برای آنان بسیار با ارزش تلقی می‌شود، باور آنان بر این است که سطح آزادی نشر در زمان مطالعه پایین یا بسیار پایین است. مجموع نمره تفاوت آنان از رابطه (مجموع نمره ارزش سیاسی آزادی نشر - مجموع نمره باور به آزادی نشر) به شدت منفی است. اعتمادشان به مسئولان سیاسی در سطح بسیار پایینی قرار دارد به نحوی که آنان را در مجموع افرادی صادق ارزیابی نمی‌کنند و به ندرت به ایشان اطمینان در سطح متوسطی دارند. همچنین باور آنان بر این است که توانایی‌شان از لحاظ سیاسی بالا است و نظام سیاسی را ناتوان یا بدون تمایل در پاسخگویی به تقاضاهای خود می‌بینند. مجموع نمره تفاوت آنها از رابطه (مجموع نمره اثربخشی درونی - مجموع نمره اثربخشی بیرونی) شدیداً منفی است. نوع احساسی که این افراد نسبت به نظام سیاسی خود بروز داده‌اند با شدت بالایی به سمت احساسهای منفی ارائه شده در طیف گرایش دارد و به ندرت

احساسهایی نظیر سربلندی یا پیروزی نسبت به نظام سیاسی خود اظهار داشته‌اند. این گروه از افراد را با توجه به مجموع ویژگیهای ذکر شده می‌توان با نام «مشارکت‌جویان پس‌رونده» نامگذاری کرد.

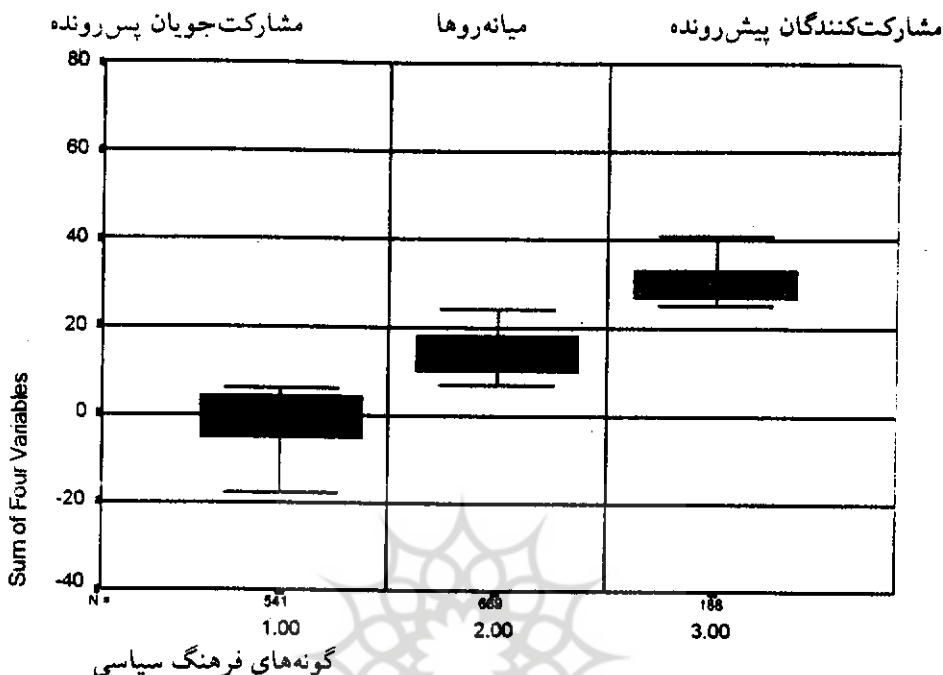
افرادی که در گونه دوم گروه‌بندی شده‌اند، افرادی هستند که باور آنان نسبت به آزادی نشر، با ارزشی که برای آزادی نشر قایل هستند، تفاوت زیادی با یکدیگر ندارد به نحوی که نمره آنان از رابطه (مجموع نمره ارزش آزادی نشر - مجموع نمره باور به آزادی نشر) صفر است. همچنین سطح توان و تقاضاهای احتمالی این گروه از نظام سیاسی، با سطح پاسخگویی که در توان یا تمایل نظام سیاسی به شدت با یکدیگر متفاوت بوده و هر چند اغلب مجموع نمره آنها مثبت یا منفی است اما گرایش این نمرات بیشتر به سمت صفر متمایل است. اعتماد این گروه از دانشجویان نسبت به مسئولان نظام سیاسی اغلب در حد بینابین بوده به نحوی که نه به شدت بی‌اعتماد هستند و نه اعتماد کامل یا تقریباً کامل دارند. همچنین احساسهایی که این گروه از افراد نسبت به نظام سیاسی خود ابراز کرده‌اند نه شدیداً مثبت و نه شدیداً منفی است به نحوی که بتوان گفت از داشتن نظام سیاسی خود سربلند هستند یا سرافکنده‌اند. با توجه به مجموع ویژگیهای این گروه می‌توان آنان را «میانه‌روها» نامگذاری کرد. میانه‌روها افرادی هستند که نمی‌توان آنها را مشارکت‌جو یا مشارکت‌کننده نامید. همچنین نمی‌توان آنان را منزوی دانست.

افرادی که در گونه سوم گروه‌بندی شده‌اند افرادی هستند که اغلب نظام سیاسی خود را در پاسخگویی به تقاضاهای خود از آن، توانا و متمایل ارزیابی می‌کنند و مجموع نمره آنها از رابطه (مجموع نمره اثربخشی درونی - مجموع نمره اثربخشی بیرونی) مثبت و به سمت راست طیف گرایش دارد. باور آنان از سطح آزادی نشر نسبت به ارزشی که برای آن قایل هستند بالاتر است. این گروه از افراد مسئولان نظام سیاسی خود را در مجموع قابل اعتماد و صادق ارزیابی می‌کنند و نسبت به نظام سیاسی خود بیشتر احساسهای مثبت نظیر سربلندی، افتخار و پیروزی بروز داده‌اند. با توجه به مجموع ویژگیهای ذکر شده می‌توان این گروه را به نام «مشارکت‌کنندگان پیش‌رونده» نامگذاری کرد. ویژگیهای سه گونه از فرهنگ سیاسی در جامعه آماری مورد مطالعه در جدول شماره ۶ خلاصه شده است.

جدول ۶- خلاصه ویژگی‌های سه گونه شناسایی شده از لحاظ نوع فرهنگ سیاسی در جامعه دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران

مشارکت‌کنندگان پیش‌رونده	میان‌روها	مشارکت‌جویان پس‌رونده	گونه‌ها متغیرها
بالا و به ندرت بسیار بالا	اغلب متوسط	پایین یا بسیار پایین	باور به اثربخشی بیرونی
بالا یا بسیار بالا	اغلب متوسط	بالا یا بسیار بالا	باور به اثربخشی درونی
مثبت متمایل به صفر	نزدیک به صفر متمایل به منفی	به شدت منفی	تفاوت اثربخشی بیرونی و درونی
متوسط و متمایل به بالا	متوسط و متمایل به پایین	بسیار پایین و به ندرت پایین	باور به آزادی نشر
متوسط	بالا متمایل به متوسط	بسیار بالا	ارزش آزادی نشر
نزدیک به صفر متمایل به مثبت	نزدیک به صفر متمایل به منفی	به شدت منفی	تفاوت باور و ارزش آزادی نشر
بالا	متوسط رو به پایین	بسیار پایین	اعتماد به مسئولان سیاسی در مجموع
مثبت و به شدت مثبت	نه کاملاً مثبت و نه کاملاً منفی	منفی و به شدت منفی	احساس نسبت به نظام سیاسی خود

بر اساس محاسبه مجموع نمرات چهار متغیر تفاوت اثربخشی بیرونی و درونی، تفاوت باور و ارزش آزادی نشر، اعتماد سیاسی به مسئولان و احساس نسبت به نظام سیاسی، نمونه مورد مطالعه در سه گونه مشخص قرار گرفتند. اکثریت دانشجویان به این ترتیب در گونه میان‌روها با ۴۷/۹٪، گونه مشارکت‌جویان پس‌رونده با ۳۸/۷٪ و گونه مشارکت‌جویان پیش‌رونده با ۱۳/۴٪ قرار گرفته‌اند.



نمودار ۲- مقایسه سه گونه فرهنگ سیاسی از لحاظ مجموع نمره آنها از متغیرهای اثربخشی درونی، اثربخشی بیرونی، باور به آزادی نشر، ارزش آزادی نشر، اعتماد به مسؤولان سیاسی و احساس نسبت به نظام سیاسی خود

نمودار مستطیلی (Box Plot) ارائه شده، نشان می‌دهد که شباهتهای درون‌گروهی و همچنین میانگین مجموع نمره چهار متغیر مورد استفاده برای تعریف گونه‌های فرهنگ سیاسی در بین گونه مشارکت‌کنندگان پیش‌رونده بیشتر از دو گونه میان‌روها و مشارکت‌جویان پس‌رونده است.

در پایان مقاله حاضر خاطر نشان می‌سازد که شناسایی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری گونه‌های خرده فرهنگ سیاسی دانشجویان از یک طرف و پیامدهای وجود این گونه‌های فرهنگی از لحاظ سیاسی، دو موضوع مهم می‌باشند که مطالعه و کندوکاو در آنها ضرورت دارد که امید است در آینده به آنها پرداخته شود.

پی‌نوشت

۱- هر چند توزیع سنی دانشجویان می‌توانست در پراکندگی متناسب‌تر نمونه نقش داشته باشد لیکن به دلیل اینکه بین دو متغیر مقطع و سن رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد از انتخاب این متغیر صرف نظر شد. همچنین اطلاعات موجود درباره توزیع دانشجویان شاغل به تحصیل بر حسب درآمد خانوادگی موجود نمی‌باشد و لذا امکان استفاده از این متغیر در تعیین سهمیه‌ها امکان‌پذیر نبوده است.

۲- برآورد وضعیت جامعه آماری بر اساس وضعیت نمونه مورد مطالعه

۳- استفاده از ماتریس همبستگی بین متغیرهای مختلف نشان می‌داد که در صورت استفاده از سه متغیر دانش سیاسی، اعتماد به مردم و ارزشهای مادی و فرامادی در تعیین گونه‌های فرهنگی، در گروه‌بندی دانشجویان خطای زیادی رخ خواهد داد.

۴- با توجه به مطالب ذکر شده در محدودیتهای تحقیق، گونه چهارمی نیز وجود دارد (منزویان) که در این تحقیق امکان مطالعه آنها نبوده است. در واقع منزویان سیاسی با توجه به ویژگیهایشان، تمایلی به پاسخ دادن به سؤالاتی که به هر دلیل به سیاست مربوط می‌شوند، ندارند. با توجه به موضوع مورد مطالعه در حالی که دانشجویان را در سه گونه شناسایی شده می‌توان سیاسی نامید، منزویان افرادی غیرسیاسی هستند و مطالعه جداگانه‌ای راجع به آنها ضرورت دارد. مطالعه این گروه باید بر اساس روشهای ژرفانگر انجام شود.

ژرف‌نگار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- آبرگرامبی، نیکلاس، و همکاران. فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، چاپخش، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- آلموند، گابریل، و پاول، بینگهاوم. (۱۹۹۲). «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۶-۵، ۱۳۷۵.
- ۳- آلموند، گابریل و همکاران. سیاستهای مقایسه‌ای، ترجمه علیرضا طیب، مرکز انتشارات آموزش دولتی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴- اینگهارت، رونالد. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۳.
- ۵- بدیع، برتران. (۱۹۸۴). توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۶.

- ۶- پای، لوسین. «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، فرهنگ، سال دوم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۰.
- ۷- پای، لوسین. «فرهنگ سیاسی و علم سیاست»، ترجمه مجید محمدی، همشهری، سال پنجم، شماره ۱۳۰۶، ۱۳۷۶.
- ۸- چلیبی، مسعود. جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۹- چیلکوت، رونالد. نظریه‌های سیاست تطبیقی، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، مؤسسه رسا، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۰- راش، مایکل. (۱۹۹۲). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، سمت، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۱- رفیع پور، فرامرز. جامعه، احساس و موسیقی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۲- روح‌الامینی، محمود. زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات پیام نور، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۳- روشه، گی. (۱۹۸۷). تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۴- سازوخانی، باقر. دایرةالمعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۵- سریع‌القلم، محمود. «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۳، شماره ۳-۴، ۱۳۷۷.
- ۱۶- سیف، علی‌اکبر. روش تهیه پژوهشنامه، نشر دوران، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۷- عالم، عبدالرحمن. بنیادهای علم سیاست، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۸- فارسون، سمیح. مشایخی، مهرداد. فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه معصومه خالقی، انتشارات باز، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۹- قوام، عبدالعلی. سیاستهای مقایسه‌ای، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲۰- قوام، عبدالعلی. «فرهنگ سیاسی: پیوند میان تحلیل خرد و کلان»، مجله سیاست خارجی، سال دهم، شماره ۲، ۱۳۷۵.
- ۲۱- معین، محمد. فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲۲- منصورفر، کریم. «تعیین حجم نمونه»، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

- 24- Elazar, Daniel J., Zikmund Joseph. (1975). *The American Cultural Matrix*. www.sps.chicago.edu/ssr1/newpre/polsoc98/elazar.html.
- 25- Kimball, Clayton. (1992). *Political Culture In Encyclopedia of Mormonism*. Macmillan Publishing Co.
- 26- Lipset, S. M. (1994). Values and Democracy In Alexander, J., and Seidman, S. (Eds.), *Culture and Society* (PP. 75-84). Cambridge University.
- 27- Marsh, James, and Olsen P. John. (1989). *Political Culture*. New York: Free Press.
- 28- Miller, David. (1999). *Political Culture Questionnaire*. US: University of Pitsburg.
- 29- Padjen, Chris. (1997). *Typology*. www.nd.edu/theo/glossary/typology.html.
- 30- Poguntke, Thomas. (1997). *Types of Political Culture*. www.alaedw.clara.net/papers/policulture.htm.
- 31- Renckly, Tom. (1997). *Sampling Techniques and Related Statistical Concepts*. www.au.af.mil/au/hq/sele/sampl-4.htm.
- 32- Trochim, William M. K. (1999). *Nonprobability Sampling*. trochim.human.cornell.edu/kb/samprnon.htm.
- 33- Trochim, William M. K. (1999). *Survey Research*. trochim.human.cornell.edu/kb/survey.htm.
- 34- Williams, Eric. (1999). *Sampling*. www.hmi.missouri.edu/hmi/~hs.
- 35- Ziegler, Charles E. (1998). *Comparative Political Culture*. www.